



اهمیت امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن

حسین نجفی شاه کوهی^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی که وجود آن در هر جامعه‌ای از ضروریات محسوب شده و بدون آن زندگی سعادتمندانه برای آحاد مردم امکان‌پذیر نمی‌باشد، مسئله مهم و اساسی «امنیت» می‌باشد. امری که درواقع منشأ و زیربنای تمامی امور بوده و با عدم آن هیچ‌گونه فعالیت فردی و اجتماعی چه در عرصه‌ی فرهنگی و چه در عرصه‌های دیگر نظیر صنعت، اقتصاد، هنر، سیاست و دیگر عرصه‌ها انجام‌پذیر نخواهد بود. به همین دلیل است که خردمندان جوامع بشری از این به‌عنوان نخستین نیاز هر جامعه یاد کرده و حاکمان را به تأمین و ایجاد آن توصیه نموده‌اند. همچنین در احادیث و روایات نقل‌شده از حضرات معصومین علیهم‌السلام «امنیت» از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و آن بزرگواران به کرات اهمیت آن را مورد تأکید قرار داده‌اند. در این تحقیق از مطالعات اکتشافی کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده شده است و تلاش گردیده اهمیت امنیت اجتماعی درآیات و روایات را روشن سازد.

کلیدواژه‌ها: امنیت، تفسیر موضوعی قرآن، عدالت، اجتماع.





مقدمه

در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است که: «سه چیز است که عموم مردم بدان نیازمندند: امنیت و عدالت و فراوانی نعمت». (فرهنگ معارف و معاریف، ج ۲، ص ۵۲۳) و نیز حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «بدترین جا برای سکونت جایی است که ساکنین در آن امنیت نداشته باشند» (فرهنگ معارف و معاریف، ج ۲، ص ۵۲۳)

از این احادیث برگرفته می‌شود که در نگاه اولیای الهی که رهبران حقیقی بشریت می‌باشند، مسئله «امنیت» از اهمیتی زیادی برخوردار است و حتی موضوع «عدالت» که خود یکی از ارزش‌های والای الهی و انسانی است، بعد از امنیت یادشده است، چراکه بدون امنیت و آرامش در جامعه، برقراری عدالت نیز امری غیرممکن و محال خواهد بود. درواقع پایه‌ریزی و ایجاد یک تمدن و زندگی انسانی اصیل که «عدالت» یکی از پایه‌ها و بنیان‌های آن است، بدون تأمین و برقراری «امنیت» ممکن نیست. «ویل دورانت» مورخ و محقق مشهور غرب در کتاب «تاریخ تمدن» این نکته را متذکر گردیده و می‌گوید:

«ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج‌ومرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد؛ زیرا فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاوی و احتیاج به ابداع و اختراع به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه‌ی وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد». (ویل دورانت، ج ۱، ص ۵)

اهمیت و ضرورت

به‌هرحال ازآنچه در این مقدمه کوتاه آوردیم به‌خوبی این نکته به اثبات رسید که بدون امنیت در هیچ جامعه‌ای امید تعالی و ترقی وجود نخواهد داشت و یکی از اولین وظایف هر سیستم حکومتی باید تلاش در راستای ایجاد فضایی امن و خالی از دغدغه‌های مادی و معنوی برای شهروندان خود باشد تا آنان در سایه این امنیت به فعالیت پرداخته و زمینه پیشرفت‌های گوناگون در عرصه اجتماع خویش را فراهم آورند. با توجه به نقش کلیدی امنیت در جامعه لزوم پرداختن به اهمیت امنیت در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیه‌السلام ضروری است.

هدف تحقیق

شناخت اهمیت امنیت اجتماعی از دیدگاه قرآن است.

روش تحقیق

در این پژوهش از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی استفاده خواهد شد.





چارچوب نظری

اقسام امنیت

«امنیت» از جمله مفاهیمی است که دارای ابعاد متنوعی می‌باشد و از دیدگاه جامعه‌شناسان به: «امنیت شغلی»، «امنیت سیاسی»، «امنیت اقتصادی»، «امنیت فرهنگی» و... تقسیم می‌شود که هریک مقوله‌ای مجزا بوده و در جایگاه خود نیازمند بحث و بررسی جداگانه‌ای هستند. دریک تقسیم‌بندی کلی امنیت به دو نوع «امنیت فردی» و «امنیت اجتماعی» تقسیم می‌شود. یعنی هنگامی که بحث از امنیت به میان می‌آید این موضوع را هم در حوزه فرد و هم در حوزه اجتماعی باید مدنظر قرارداد. هرچند اگرچه این دو از نظر ظاهری دو حوزه جدا از هم می‌باشند ولی درواقع با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی دارند تا حدی که ایجاد و برقراری امنیت اجتماعی بدون پرداختن به علل و عوامل ایجاد امنیت فردی ممکن نبوده و بی‌نتیجه است. از دیدگاه علم جامعه‌شناسی نیز «امنیت فردی زیربنای امنیت اجتماعی است».

اهمیت امنیت اجتماعی در قرآن

قرآن کریم به‌عنوان بهترین نسخه شفابخش روح و جسم انسان‌ها تمامی نیازهای دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی انسان‌ها را در برگیر می‌گیرد، به همین دلیل به مقوله‌ی «امنیت» نیز توجه ویژه‌ای داشته و در بسیاری از آیات ضمن بیان اهمیت موضوع «امنیت»، مخاطبان خود را نسبت به اهمیت آن تذکر داده است؛ که در این بخش به برخی از آن آیات اشاره می‌شود.

سوره مبارکه‌ی بقره آیه ۱۲۶، یکی از معروف‌ترین آیات قرآن کریم است که به موضوع «امنیت» اشاره دارد و دعای پیامبر بزرگ خداوند حضرت ابراهیم (ع) درباره سرزمین و مردم مکه را شامل می‌شود: «و به یادآور هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا! این سرزمین را شهر امنی قرار داده و اهل آن را، آن‌ها که ایمان به خدا و روز بازپسین آورده‌اند از ثمرات (گوناگون) روزی ده...». این دعا به پیشگاه الهی زمانی عرضه شده است که «مکه تدریجاً شکل شهری را به خود گرفته و قبیله جرهم در آنجا ساکن شده بودند و پیدایش زمزم آنجا را قابل سکونت ساخته بود». (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۶۵) و درنتیجه ایشان در دعای خود، اصلی‌ترین نیاز این اجتماع نه‌چندان بزرگ (در آن روزگار) را مدنظر قرار داده و قبل از هر تقاضای دیگری برای آنان درخواست «امنیت» می‌نماید «و این خود اشاره‌ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حاکم نباشد فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست!» (تفسیر نمونه، ج ۱، ص





۴۵۲) و نه تنها اقتصاد سالم که اصولاً برخورداری یک زندگی انسانی مطلوب بدون وجود امنیت امکان ناپذیراست و «اگر جایی امن نباشد قابل سکونت نیست، هرچند تمام نعمت‌های دنیا در آن جمع باشد و اصولاً شهر و دیار و کشوری که فاقد نعمت امنیت است سایر نعمت‌ها را نیز از دست خواهد داد!» (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۳۶).

در خاتمه گفتار پیرامون این آیه شریفه، ضمن تذکر این نکته که این درخواست حضرت ابراهیم (ع) مبنی بر امنیت مکه و اهل آن، در آیه‌ی ۳۵ سوره مبارکه‌ی ابراهیم نیز تکرار شده که خود بیانگر اهمیت موضوع می‌باشد، باید گفت که این خواسته بزرگ از جانب پروردگار مورد اجابت واقع شده و خداوند دعایش را مستجاب کرد و «دعای ابراهیم درباره‌ی امنیت مکه از دو سو اجابت گردید: هم امنیت تکوینی به آن داد، زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده کمتر به خود دیده و هم امنیت تشریعی، یعنی خدا فرمان داده که همه انسان‌ها و حتی حیوانات در این سرزمین در امن و امان باشند». (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۳۳۶).

همچنین در آیه ۵۷ سوره مبارکه قصص می‌خوانیم:

«آن‌ها گفتند: ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم ما را از سرزمینمان می‌ربایند! آیا ما حرم امنی در اختیار آن‌ها قرار دادیم که ثمرات هر چیزی (ازهرشهر و دیاری) به‌سوی آن آورده می‌شود، ولی اکثر آن‌ها نمی‌دانند»

پیرامون این آیه شریفه و شأن نزول آن درتفاسیرآمده است: «شخصی به نام حارث بن عثمان بن نوفل بن عیب مناف، خدمت پیامبر گرامی اسلام (ص) رسید و گفت: تنها چیزی که باعث می‌شود ما از پیوستن به شما و اسلام آوردن خودداری کنیم آن است که ما از عرب و قدرت او بیم داریم که در صورت مسلمان شدن، ما را از سرزمینمان بیرون کرده و مورد آزار قرار می‌دهند و اگر نبود این مطلب ما مسلمان می‌شدیم و در پاسخ به این بهانه او، خداوند آن‌ها را به این واقعیت متذکر گردید که آیا ما شهر مکه را برای شما مکانی امن قرار ندادیم که در آن با آسودگی زندگی می‌کنید و از ثمرات آن بهره‌مند می‌شوید پس از چه می‌ترسید؟ همان‌که این شهر را برای شما به خلعت امنیت آراست، بازهم قادر است تا شمارا از شرور و آزار عرب ایمن گرداند». (رازی، ج ۱۵، ص ۱۵۴).

با اندیشیدن در این آیه شریفه می‌توان بار دیگر به این نکته اساسی پی برد و آن تأکید بر اهمیت موضوع «امنیت» به‌عنوان نخستین نعمت الهی برای شهر و مردم مکه می‌باشد. خداوند عزیز در این آیه شریفه قبل از پرداختن به موضوع رزق و روزی و بدون



توجه به سایر مزایای مادی و معنوی سرزمین عربستان و شهرمکه، موضوع «امنیت» حاکم بران را یادآور می‌شود تا اول این‌که افراد بیمناک از صولت عرب را اطمینان خاطر بخشد و دوم این‌که اهمیت امنیت و نقش کلیدی آن را در دستیابی به اهداف والا یادآوری نماید و بدین گونه به تمام مخاطبان قرآن یادآور شود که آنچه برای یک محیط اجتماعی برای رشد و تعالی درزمینه های گوناگون لازم است در درجه اول امنیت اجتماعی است و تا این مقوله مهم تأمین نشود نمی‌توان به امور دیگر پرداخت. و نیز سوره مبارکه نحل در آیه ۱۲ آمده است:

«خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کند) مثلی زده است؛ منطقه‌ای را که امن و آرام و مطمئن بوده و همواره روزش به‌طور وافر از هر مکانی فرامی‌رسیده است...». در این آیه شریفه خداوند متعال برای آنان که قدر نعمت‌های الهی را نمی‌دانند و به‌جای سپاسگزاری و شکر به درگاه پروردگار، کفران نعمت کرده و راه ناسپاسی پیش می‌گیرند، داستان قریه‌ای را در قالب یک مثل ذکر می‌نماید و سرگذشت تلخ و غم‌انگیز اهل آن را برای ناسپاسان یادآور می‌شود که چگونه در اثر قدرناشناسی و کفران نعمت‌های الهی به عذاب خداوند دچار شدند.

در این آیه سه ویژگی و خصوصیت برای یک سرزمین آباد و قابل سکونت و زندگی ذکر گردیده که به ترتیب عبارت‌اند از: امنیت، اعتماد و اطمینان به تداوم حیات در آن و وجود رزق و روزی فراوان؛ که در رأس همه‌کسانی که می‌خواهند سرزمینی آباد و آزاد و مستقل داشته باشند که باید قبل از هر چیز به مسئله «امنیت» پرداخت، سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخ‌های اقتصادی را به حرکت درآورد». (تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۴۳۳)

جالب‌توجه آنکه در این آیه شریفه محروم شدن از این سه نعمت الهی که «امنیت» نیز یکی از آن‌ها و درحقیقت مهم‌ترین آن‌ها می‌باشد، به‌عنوان عذاب و نعمت الهی مطرح گردیده و اعلام‌شده که خداوند در مقابل ناسپاسی اهل آن قریه، لباسی از گرسنگی و ترس را براندام آن‌ها پوشانید و با سلب امنیت از آن‌ها و گرفتار نمودنشان به قحط و گرسنگی، کیفر کافران آنان را به‌سختی عطا فرمود! و همین مطلب خود تأکیدی دیگر بر این موضوع است که امنیت درهرجامعه‌ای نعمتی بی‌بدیل و نشانه لطف و رحمت پروردگار است و مردم نیز بایستی قدر این نعمت خداوندی را دانسته و ضمن پاسداری از آن، مراتب شکر و سپاس خود را در مقابل آن به‌جای آورند؛ که اگر چنین کنند به مصداق آیه «لئن شکرتم لأزيدنکم...»؛ (ابراهیم، ۷) هرروز بیش از گذشته مشمول الطاف





خداوند شده و شاهد امنیت و آرامش بیشتری در جامعه خود خواهند بود، در غیر این صورت باید منتظر عذاب الهی یعنی از دست دادن امنیت ابتلا به هرج و مرج و ناامنی باشند که: «و لئن کفرتم إنَّ عذابی لشدید».

در آیه ۹۹ این سوره مبارکه یوسف آمده: «هنگامی که بر یوسف وارد شدند او پدر و مادر خود را در آغوش گرفت و گفت همگی داخل مصر شوید ان شاءالله در امن و امان خواهید بود».

از این آیه استفاده می شود هنگامی که یعقوب پس از سالیان متمادی تحمل رنج هجران و فراق فرزندش، به همراه سایر فرزندان و مادرش وارد شهر مصر شدند، یوسف (ع) که اینک به رفیع ترین مقامات حکومتی سرزمین مصر نائل شده بود به جهت استقبال از پدر و مادر و برادران خود به دروازه شهر آمده و آنان را به زندگی پاک و گوارایی همراه با برخورداری از امنیت کامل در مصر مژده می دهد.

«یوسف از میان تمام مواهب و نعمت های موجود در مصر، انگشت روی مسئله امنیت گذاشت و به پدر و مادر خود و برادرانش گفت: وارد مصر شوید که ان شاءالله در امنیت خواهید بود. این نشان می دهد که نعمت امنیت ریشه ی همه نعمت ها است؛ زیرا هرگاه امنیت از میان برود، سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خدا مقدور است و نه زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف های اجتماعی» (تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴)

همچنین از این آیه شریفه می توان این نکته را نیز استفاده نمود که موضوع امنیت باید در رأس برنامه های حکومت قرار گرفته و مسئولان هر جامعه، قبل از هر چیز تأمین این نیاز اساسی اجتماع را مدنظر قرار دهند. حضرت یوسف (ع) هنگامی که در سرزمین مصر صاحب قدرت و مکنّت حکومتی می گردد در راستای ایجاد امنیت کامل به عنوان اساسی ترین نیاز جامعه قدم برداشته و امنیت کامل را در کشور تحت حکمرانی اش برقرار نموده و این فضای امن و آرام را به عنوان نخستین هدیه حکومت و زمامداری خود به مردم مصر و پدر و مادر و برادران خود عرضه می دارد.

در آیه ۳۷ از سوره مبارکه سبأ خداوند فرموده است:

«اموال و فرزندان شما هرگز شمارا نزد ما مقرب و نزدیک نمی سازد و به جز کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح انجام دهند که برای آنان پاداش مضاعف در برابر اعمالی است که انجام داده اند و آن ها در غرفه های (بهشتی) در (نهایت) امنیت خواهند بود».



این آیه شریفه که بیانگر عاقبت نیک و سعادت‌مند بهشتیان است از جمله نعم الهی که در سرای جاوید یعنی بهشت موعود از سوی خداوند به آنان ارزانی می‌شود را «امنیت» برمی‌شمرد و همین خود، بیان‌کننده‌ی ارزش و اهمیت والای این مقوله از نظر قرآن کریم و خداوند است که حتی بودن آن را در بهشت در ردیف پاداش‌های بهشتیان ذکر می‌فرماید. البته تذکر این نعمت بزرگ یعنی امنیت در بهشت، مختص این آیه شریفه نمی‌باشد بلکه در آیات دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته که از آن جمله باید به آیه ۴۶ از سوره مبارکه‌ی حجر اشاره نمود، آنجا که بهشتیان از سوی فرشتگان الهی مورد خطاب واقع شده و به آنان گفته می‌شود:

«ادخلوها به سلام ءامنین»؛ داخل این باغ‌ها (ی بهشتی) شوید با سلامت و امنیت. اما در آیه‌ی مورد بحث (آیه شریفه ۳۷ از سوره‌ی مبارکه سبأ) «تعبیر به ءامنون (کسانی که در امنیت به سر می‌برند) در مورد بهشتیان تعبیر بسیار جامعی است که آرامش روح و جسم آن‌ها از هر نظر منعکس می‌کند، چراکه نه ترس فنا و زوال و مرگ دارند، نه ترس هجوم دشمن و نه بیماری و آفت و اندوه، نه حتی ترس از ترس! و نعمتی برتر از این نیست که انسان از هر نظر در امنیت به سر برد، همان‌گونه که بلایی بدتر از ناامنی در جنبه‌های مختلف زندگی وجود ندارد». (تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۱۰)

نتیجه آنکه «امنیت» از چنان ارزش والایی برخوردار است که بهشت با تمام خوبی‌ها و امتیازات و نعمت‌هایش بدون آن گوارا نخواهد بود و تمام نعم این دارالسلام با بودن امنیت است که قابل بهره‌برداری و استفاده می‌شوند و به کام بهشتیان شیرین می‌گردد. به تعبیر دیگر «بهشت ناامن!» جز دوزخی سراسر رنج و مشقت چیز دیگری نخواهد بود و با امنیت است که بهشت، بهشت می‌شود.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های «امنیت اجتماعی» برخورداری از امنیت به هنگام سفر و دور شدن از خانه و کاشانه است. «امنیت» اگرچه در وقت حضر و بودن در وطن از اهمیت بسزایی برخوردار است ولی ناگفته پیداست که این مقوله به هنگامی که آدمی پای در سفر می‌گذارد و غربت و غریبی را تجربه می‌کند، اهمیت مضاعف و دوچندان پیدا می‌کند. جالب‌توجه اینجاست که در آیات قرآن کریم امر «امنیت در سفر» مورد عنایت واقع شده و بدان اشاره شده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به آیه ۱۸ از سوره مبارکه سبأ اشاره کرد:





«میان آن‌ها و سرزمین‌هایی که برکت داده بودیم شهرها و آبادی‌های آشکار قرار داریم و فاصله‌های متناسب و نزدیک مقرر داشتیم و به آن‌ها گفتیم شب‌ها و روزها در این آبادی‌ها در امنیت کامل مسافرت کنید».

این آیه شریفه که بیان‌کننده‌ی برخی از نعمت‌های الهی است که شامل حال قوم سبأ گردیده بود، ضمن بیان این موضوع که سرزمین این قوم سرزمینی پر خیر و برکت و آباد بوده است و آن‌ها در این سرزمین از همه گونه رزق و روزی گوارا بهره‌مند بوده‌اند، به یکی دیگر از نعمت‌های الهی که به آن‌ها ارزانی شده بود یعنی «امنیت در سفر» نیز اشاره می‌نماید و در پایان آیه این نکته را متذکر می‌گردد که مردم و قوم سبأ در سرزمین خود چه درسفر و چه درحضر از امنیت کامل برخوردار بوده‌اند و همین اشاره به موضوع امنیت آن‌هم به هنگام سفر باز بیانگر ارزشمند بودن این نعمت و اهمیت داشتن آن در دیدگاه قرآن کریم می‌باشد؛ چرا که از میان همه نعمت‌های معنوی دیگری که قابل اشاره بوده اند نظیر آزادی، عدالت و... انگشت روی «امنیت» گذارده و این مقوله‌ی مهم را یادآور شده است.

ازمجموع آنچه دراین بخش از مقاله آوردیم به خوبی و به روشنی «جایگاه امنیت اجتماعی» در قرآن کریم و مقام والای آن از دیدگاه قرآن کریم روشن شد و به این مطلب پی بردیم که از دیدگاه قرآن نخستین نیاز زندگی اجتماعی انسان همانا دارا بودن «امنیت» است و تا دریک اجتماع حتی کوچک و چندنفره امنیت برقرار نباشد سایر تلاش‌ها و فعالیت‌ها نیز ثمره‌ی چندانی در پی نداشته و استفاده از سایر مزایای زندگی فردی و اجتماعی برای آدمی گوارا نخواهد بود.

هدف از ایجاد امنیت اجتماعی در قرآن کریم

هر نوع فعالیت انسان، چه در عرصه‌ی فعالیت‌های فردی و چه در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی، هدف یا اهدافی را تعقیب می‌کند که انگیزه آن فعالیت‌ها بوده‌اند. تلاش در جهت ایجاد «امنیت اجتماعی» نیز از این قاعده مستثنی نبوده و مسئولین برقراری امنیت درهرجامعه‌ای، بنا بر پایگاه و خاستگاه اعتقادی خویش اهدافی را دنبال می‌کند. در این میان قرآن کریم که مسئولیت تربیت انسان را به‌عنوان خلیفه و جانشین پروردگار در زمین بر عهده دارد «برقراری امنیت اجتماعی» را به‌عنوان وسیله‌ای بسیار اساسی و مهم در نظر قرارداد و اهدافی را از امنیت دنبال می‌کند که درنهایت منجر به دستیابی به این هدف و نتیجه مبارک گردد. در این بخش از مقاله به مهم‌ترین این اهداف اشاره کرده و پیرامون آن‌ها صحبت می‌کنیم:

نابودی فتنه و آثار شرک

از آنجاکه هدف اصلی از خلقت انسان به وسیله خداوند، عبودیت و بندگی در پیشگاه آن ذات یگانه بوده همچنان که در آیه‌ی ۵۶ از سوره‌ی مبارکه ذاریات بدان اشاره گردیده، آدمی هنگامی در مسیر عبودیت حرکت می‌کند که در جامعه، توحید و یکتاپرستی متجلی باشد، بنابراین هرگونه پدیده اجتماعی که مغایر با توحید و آن هدف اصیل و الهی باشد به نوعی فضای امن را برای عبودیت و بندگی از بین برده و زمینه ناامنی مذهبی و فرهنگی را فراهم می‌آورد. به همین دلیل در آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال مسلمانان را به جهاد با عوامل ناامنی فرامی‌خواند تا از بین بردن این عوامل امنیت اجتماعی در سطح جامعه برقرار شده و بندگان خداوند در سایه این امنیت آسوده‌خاطر به بندگی خداوند و کسب فضایل بپردازد، از جمله این آیات می‌توان به آیه ۱۹۳ سوره مبارکه بقره اشاره کرد: «و قاتلوهم حتی لا تکن فتنه و یكون الذین لله فأن انتهوا فلا عدوان إلا علی الظالمین»؛ و با آن‌ها پیکار کنید! تا فتنه (و بت‌پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد؛ پس اگر (از روش نادرست خود) دست برداشتند (مزاحم آن‌ها نشوید زیرا) تعدی جز برستمکاران روا نیست».

مفسران اسلام در توضیح این آیه شریفه که در بردارند ی بیان اهداف جهاد اسلامی است می‌گویند:

«جهاد اسلامی نه به خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی و نه به منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است، بلکه هدف آن یکی از سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه و آشوب‌ها که سلب آزادی و امنیت از مردم می‌کند و همچنین محو آثار شرک و بت‌پرستی و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان». (تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۵)

بنابراین مهم‌ترین هدف از تأمین اجتماعی در قرآن کریم، فراهم کردن محیطی سالم و آرام برای پرداختن به امر عبادت و بندگی خداست. محیطی که در آن کوچک‌ترین اثری از ناامنی و عوامل ایجاد آن نباشد و مردمان با آسودگی خاطر و به دور از فتنه‌های رنگارنگ و آشوب‌های گوناگون، تنها در جهت خشنودی و رضای پروردگار گام بردارند و به هدف خلقت خویش یعنی عبودیت خالصانه خداوند نزدیک شوند، زیرا هرگاه محیط زندگی و جامعه ناامن باشد هرگونه فعالیت و تلاشی چه در عرصه مادی و چه در عرصه معنوی غیرممکن می‌باشد و این مطلبی است که تجربه چندین هزارساله تمدن بشری



در سرزمین‌های مختلف بر آن صحنه گذارده و نگاهی به برخی جوامع ناامن و یا برخوردار از امنیت نامناسب در جهان کنونی نیز مؤید این مطلب است.

راهکارهای ایجاد امنیت اجتماعی از نظر قرآن

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری در جهت تأمین «امنیت» چگونگی طریقی است که امنیت را بر آن اساس برقرار نماید و به اصطلاح امروزی به «امنیت پایدار» برسند؛ به عبارت دیگر چگونه می‌توان ایجاد امنیت را از مرحله تئوری به مرحله عمل رسانید و آن را در حیطه‌ی فعالیت‌های فردی و اجتماعی محقق نموده و نهاده‌ی کرد و در نتیجه جامعه‌ای به وجود آورد که در آن، افراد هم از لحاظ زندگی شخصی و خصوصی و هم از لحاظ زندگی اجتماعی و در تعامل با دیگران احساس امنیت نمایند؟ برای پاسخگویی به این پرسش از دیربازو از سوی جامعه شناسان و نیز نظریه‌پردازان امر حکومت و سیاست، اظهار نظرهای فراوانی صورت گرفته است و هریک به فراخور اندیشه و طرز تفکر و نیز میزان علم و دانش خود، پاسخ‌هایی ارائه نموده‌اند که البته هریک از آن پاسخ‌ها تنها می‌تواند امنیت را در سطح جوامع تأمین نمایند. ولی آنچه مسلم است چون اغلب این راهکارها حاصل معلومات و تجارب بشری بوده‌اند و معلومات و تجارب بشری هم از سوی دو عنصر «زمان» و «مکان» دچار محدودیت می‌باشند، نتوانسته‌اند آن‌گونه که شایسته است در جهت تأمین امنیت، گام‌های مؤثری بردارند. کما اینکه در جهان کنونی، با وجود پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی و وفور تئوری‌های امنیتی ارائه‌شده از سوی دانشمندان، بدون اغراق باید اعتراف کنیم که «امنیت» مهم‌ترین گمشده انسان امروزی است که برای یافتن آن چشم امید به هر سو می‌دواند! و افزایش روزافزون آمار قتل‌ها و جنایت‌های، دزدی‌ها و تجاوز به عنف و هزاران نوع جرم و جنایت فردی و اجتماعی دیگر بهترین و روشن‌ترین دلیل این مدعاست. بنابراین انسان امروزی برای دستیابی به «امنیت پایدار و هم‌جانبه» چاره‌ای جز این ندارد که دست یاری به‌سوی مکاتب آسمانی دراز کند و در میان آن‌ها از خالص‌ترین و ناب‌ترین مکتب، یعنی اسلام عزیز و نسخه‌ی شفا بخش آن یعنی قرآن کریم طلب امداد و یاری کند. زیرا قوانین این کتاب آسمانی ریشه در وحی و علم خداوندی دارند که هیچ‌گونه تردیدی در صحت و اصالت آن روا نیست و راه ندارد.

اما قرآن کریم در جهت برقراری و تأمین امنیت اجتماعی، راه‌حل‌ها و راهکارهای فراوانی را ارائه نموده که به‌طور یقین ذکر تمامی آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد و از همین رو ما به‌طور اختصار به دو مورد از این راهکارها اشاره کرده و می‌گذریم:

۱- توجه به عبادت و یاد خدا

باوجود پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی، انسان امروزی بیش از گذشته در معرض ناامنی قرارداد چراکه گسترش زندگی صنعتی و ماشینی اگرچه توانسته است جسم او را اندکی به راحتی رساند و زحمت جسمی او را کم نماید، ولی این حقیقت بر کسی پوشیده نیست که روح و روان او را به بند کشیده و در مقابل آن آسایش جسمانی، انواع و اقسام اضطرابات، دغدغه‌ها و نگرانی‌های روحی را به او هدیه نموده است و این نیز نبوده مگر به خاطر اینکه دل‌بستگی به ظواهر تمدن امروزی او را از یاد خدا غافل کرده و در نتیجه این فراموشی یاد خدا، هم امنیت فردی و هم امنیت اجتماعی او به خطر افتاده است. از همین رو قرآن کریم همواره انسان‌ها را متذکر این معنا می‌گرداند که اگر طالب آسایش و آرامش هستید راهی جز روی آوردن به یاد خدا، فرا روی شما نیست: «الذین ءامنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله ألا بذكر الله تطمئن القلوب»؛ (رعد، ۲۸) آگاه باشید که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد. هنگامی که دل‌وجان انسان در اثر یاد خدا به ساحل آرامش رسید به‌طور طبیعی جامعه‌ی بشری نیز از امنیت اجتماعی مطلوب برخوردار خواهد شد. قرآن کریم به‌منظور ایجاد روحیه به یاد خدا بودن، آدمیان را امر به اقامه نماز فرموده است چراکه نماز مهم‌ترین و زیباترین جلوه یاد خداست؛ «إِنِّی اَنَا اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنَا فاعبدنی و اقم الصلاة لذكری»؛ (طه، ۱۴) نماز را برای یاد من به پا دار.

نقش نماز در تأمین امنیت اجتماعی

بدون شک امنیت اجتماعی، در تمامی جوامع بشری همواره از جانب کسانی تهدید شده و مختلف گردیده است که شخصیت فردی آن‌ها بنا به علل گوناگون مورد اهانت واقع شده و در نتیجه «کرامت نفس» خود را ازدست داده‌اند. چنین افرادی که شخصیت آن‌ها لگدکوب گردیده و دیگر عزت و کرامتی برای خود قائل نیستند، از ارتکاب انواع و اقسام بزهکاری‌ها و جرم و جنایت‌های اجتماعی ابایی نداشته و احساس شرمساری نمی‌کنند و به همین دلیل جامعه از شر آن‌ها ایمن نخواهد بود. سخن حکیمانه‌ای که از پیشوای دهم شیعیان امام هادی (ع) نقل شده است: «من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره»؛ کسی که خود را خفیف و خوار می‌داند و در باطن، احساس پستی و حقارت می‌کند از شر او ایمنی نداشته باش. (فرید، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۷۳)؛ اما نقطه مقابل این مسئله، «کرامت نفس و احساس عزت نمودن» است که آدمی را از هرگونه گناه فردی و اجتماعی مصون می‌دارد، همان‌گونه که امام علی (ع) می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه



لم یهنها بالمعصیه؛ کسی که بزرگی و کرامت نفس خود را باور دارد هرگز با پلیدی گناه پست و موهونش نمی‌کند. (فرید، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۱۶)

با توجه به آنچه آمد، این نتیجه حاصل می‌شود که برای برقراری «امنیت اجتماعی» یکی از راهکارهای اساسی و مهم، آن است که عوامل عزت‌آفرین و کرامت بخش را شناسایی نموده و تقویت نمود تا افراد جامعه با تمسک و عمل به آن‌ها از چنان کرامت نفسی برخوردار شوند که ارتکاب گناه حتی در خلوت و پنهانی برای آن‌ها امری دشوار و هراسناک جلوه کند و بدین ترتیب انسانی که از چنین «تربیت الهی» برخوردار شد هرگز نه در عرصه زندگی فردی و نه در عرصه زندگی اجتماعی، تهدیدی برای «امنیت و آسایش» خود و جامعه نخواهد بود. در مسیر «کرامت بخشی» به نفوس انسان‌ها، بدون شک و تردید، یکی از مهم‌ترین عوامل و راهکارهای قابل‌توجه که درعین حال هیچ‌گونه هزینه‌ای را در بر ندارد، امر مقدس و عظیم «نماز» می‌باشد. نماز درواقع حلقه اتصال انسان باوجودی عظیم الشان و بی‌نهایت به نام خداست که یکی از مهم‌ترین اسامی و صفات او «کریم» است به معنی بزرگوار و کسی است که به مصداق آیه شریفه «پس همانا تمامی عزت آن از خداست» دارنده‌ی تمامی مراتب عزت می‌باشد و یقیناً انسانی که با او مرتبط شد و رنگ و بوی خدایی به خود می‌گیرد و «کریم» می‌گردد و «عزیز» می‌شود و چون چنین شد هرگز نفس کریم و عزیز خود را با گناه نمی‌آلاید و جامعه از جانب او در امن و آسایش قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر همان‌گونه که می‌دانیم خداوند عزیز در آیه ۴۵ سوره مبارکه‌ی عنکبوت یکی از مهم‌ترین آثار نماز را دور نمودن نمازگزار از «فساد و فحشا» ذکر می‌نماید و می‌فرماید: «همانا نماز از زشتی و منکر باز می‌دارد». درنتیجه انسان نمازگزار فردی است که گرد گناه نمی‌گردد؛ چراکه صبح و شام باخدای خود در راز نیازی عاشقانه است و حضور او را به‌طور مستمر درک می‌کند.

و چنانچه صحنه گناه پیش آید مرتکب آن نمی‌شود. او خداوند را حاضر و ناظر می‌داند و جامعه از ناحیه او در امن‌و‌امان خواهد بود. نگاهی هرچند گذرا به تاریخچه زندگی بزهکاران اجتماعی و آنان که «امنیت اجتماعی» را به نحوی مختل نموده‌اند، به‌خوبی این نکته را به اثبات می‌رساند که غالب آنان، کسانی بوده‌اند که با نماز و مسجد ارتباطی نداشته و خود را در عرصه‌ی حیات، بی‌قید و آزاد گذاشته و دست به گناهان عظیمی همچون قتل، تجاوز به عنف، سرقت و... آلوده‌اند و جوامع بشری را با «ناامنی» مواجه نموده‌اند. حال آنکه در میان کسانی که در طول حیات خود بیشترین تعهد و مسئولیت را نسبت به جان، مال، عرض و ناموس دیگران داشته‌اند، همواره نام نمازگزاران و مقیدین



به نماز از درخشندگی ویژه‌ای برخوردار بوده است زیرا نمازگزار می‌داند که «اقامه نماز» با «تجاوز به حقوق دیگران» سازگاری ندارد و اصولاً نمازی که درکنار آن به‌نوعی «تجاوز» به حقوق انسان‌ها باشد، نماز نخواهد بود. جایی که حتی بودن یک تار نخ غصبی در لباس نمازگزار، موجب بطلان نماز گردد، مسلم است که نمازگزار خود را مقید به رعایت حقوق دیگران می‌کند و از دست یازیدن به گناهی بزرگ‌تر خودداری می‌کند. مطالعه زندگی نمازگزاران حقیقی در طول تاریخ، اثبات‌کننده این حقوق مسلم است که برای برقراری «امنیت اجتماعی» هیچ عاملی برتر و بالاتر از نماز نمی‌باشد، چراکه خاصان درگاه خداوندی، تقید زیادی به رعایت حقوق مردمان داشته‌اند. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

«والله أعطيت الاقاليم السبعة بما تحت افلاكها على أن أعصى الله في نمله اسلبها جلب شعيره ما فعلته»: به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدای را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد... (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴)

نماز نفس سرکش را مؤدب به آداب الهی و رعایت حقوق فردی و اجتماعی دیگران نموده و درنتیجه «امنیت اجتماعی» را در بالاترین سطح برای جوامع بشری به ارمغان می‌آورد.

«نماز» بنا به تصریح آیه‌ی شریفه‌ی «... أن الصلاة تنهى عن الفحشاء والمنكر...» (عنکبوت، ۴۵)، انسان را از غیبت، دروغ، سرقت، قتل نفس، تجاوز به حریم خصوصی دیگران، رباخواری، زنا، چشم‌چرانی، تهمت، حرام‌خواری، قمار، شرب خمر و هر عملی که به‌نوعی منجر به تجاوز به حقوق دیگران و درنتیجه ایجاد اختلال در امنیت اجتماعی است برحذر می‌دارد. اگر تمامی هم و غم متولیان ایجاد «امنیت» و تئوری پردازان اجتماعی دست یافتن به راه‌حلی عملی و کارا برای از بین بردن ناامنی و ریشه‌کن کردن عوامل آن است، پس نباید از آسان‌ترین و بهترین راه‌حل این امر یعنی «نماز» غافل بود و درست به همین خاطر است که ما معتقدیم برای برقراری امنیت اجتماعی بهترین و مهم‌ترین راه، اصلاح و بهینه‌سازی رابطه بین انسان و خداوند و تلاش در جهت آشنا کردن انسان‌ها با خالق خویش است و این امر ممکن نخواهد بود مگر از طریق اقامه‌ی نماز.





۲- اجرای حدود اسلامی

دین اسلام به منظور فراهم کردن فضایی امن و خالی از هرگونه ناامنی و نگرانی در کنار فاکتورهای تشویقی که برای دور کردن انسان‌ها از عوامل مخل امنیت اجتماعی در نظر گرفته، برخی قوانین و مقررات تنبیهی را نیز مقرر داشته است زیرا این به تجربه ثابت گردیده که برخی انسان‌ها تنها هنگامی که با مجازات سخت و کیفری شدید مواجه می‌شوند دست از گناه کشیده و خود را آلوده به معصیت نمی‌نمایند. از آنجاکه گناهی که از آدمی سر می‌زند اغلب به حیطه فردی خویش محدود نشده و عواقب آن دامن‌گیر اجتماع نیز می‌شود و در نتیجه امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌افکند، اجرای این قوانین و مقررات باید از سوی مجریان حکومت اسلامی با جدیت دنبال شود.

به عنوان نمونه دو گناه بزرگ قتل و دزدی از جمله عواملی هستند که اگر نسبت به آن‌ها هرگونه سهل‌انگاری و مسامحه‌ای صورت گیرد، بسیار زودتر از آنچه تصور کنید در جامعه فراگیرنده و در نتیجه امنیت اجتماعی را به طور جدی تهدید می‌نمایند. از همین رو در آیات بسیاری از قرآن کریم نسبت به این دو گناه هشدارهایی داده شده است تا انسان‌ها از ارتکاب آن‌ها خودداری کنند و چنانچه کسی پا را از این حدود الهی فراتر نهاد و علی‌رغم تحذیرات خداوند مرتکب یکی از این گناهان گردید، باید مطابق دستورات قرآن و شرع مقدس با مرتکبین آن‌ها برخورد شود.

در قرآن کریم قاعده «قصاص» در رابطه با مرتکبین قتل وضع گردیده و خداوند متعال از این اصل به عنوان عاملی برای تداوم حیات اجتماعی در سایه امنیت یاد فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (بقره، ۱۷۹-۱۷۸) ای افرادی که ایمان آورده‌اید حکم قصاص در مورد کشتگان بر شما نوشته شده است و برای شما در قصاص حیات و زندگی است ای صاحبان خرد تا شما تقوی پیشه کنید.

این آیه که در نهایت فصاحت و بلاغت است به صورت یک شعار اسلامی در ذهن همگان نقش بسته است و به خوبی نشان می‌دهد که قصاص اسلامی به هیچ وجه جنبه‌ی انتقام‌جویی ندارد، بلکه دریچه‌ای است به سوی حیات و زندگی انسان‌ها. از یک سو ضامن حیات جامعه است؛ زیرا اگر حکم قصاص به هیچ وجه وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می‌کردند جان مردم بی‌گناه به خطر می‌افتاد، همان‌گونه که در کشورهای غربی که حکم قصاص به کلی لغو شده آمار قتل و جنایت به سرعت بالا رفته است (و در نتیجه جامعه از نظر امنیت اجتماعی دچار بحران گردیده است). از سوی دیگر



مایه حیات قاتل است چراکه او را از فکر آدم کشی تا حد زیادی باز می‌دارد و کنترل می‌کند (و موجب تأمین امنیت اجتماعی می‌گردد). (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۰۶)

همچنین درباره معضل دزدی و سرقت که یکی از عوامل بر هم زنده نظم جامعه و ایجاد ناامنی اجتماعی است قرآن کریم چنین فرمان می‌دهد: «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ (مائده، ۳۸) دست مرد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به‌عنوان یک مجازات الهی قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است.

با توجه به مفاد این آیه شریفه این مطلب به‌خوبی اثبات می‌شود که از نظر اسلام امنیت جامعه از چنان درجه‌ای از اهمیت برخوردار است که فرمان می‌دهد که به سبب برهم زدن آن، دست یک انسان قطع گردد و مرتکب ایجاد ناامنی در جامعه، یک عمر بدون دست‌زدگی کند ولی امنیت اجتماع محفوظ بماند. (تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۷۸)

در پایان بسیار ضروری است که به یکی از آیات قرآن کریم که به‌روشنی فرمان مبارزه با عوامل ایجاد ناامنی در جامعه را صادر فرموده اشاره کنیم تا هرچه بیشتر به اهتمام قرآن کریم در مبارزه با اخلال در امنیت اجتماع واقف شویم. در آیه ۳۳ از سوره مبارکه مائده، خداوند می‌فرماید:

«إِنَّمَا جُزَاؤُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا وَ يُسَلَّبُوا أَوْ تَقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ کیفر آنها که با خدا و پیامبر به جنگ برمی‌خیزند و در روی زمین دست به فساد می‌زنند (و با تهدید به اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا (چهار انگشت از) دست راست و پای چپ آنها بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند، این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت مجازات بزرگی دارند.

در این آیه شریفه عبارت «إِنَّمَا جُزَاؤُ الَّذِينَ يَحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» بیان‌کننده حال کسانی است که به دشمنی با خدا و رسول خدا (ص) اقدام می‌کنند و مفسر کبیر قرآن مرحوم علامه طباطبائی، در تفسیر این عبارت و توضیح کلمه «محاربه» می‌فرماید:

«... مراد از محاربه، دشمنی با خدا در خصوص مواردی است که رسول نیز در آن دخالتی دارد و در نتیجه تقریباً متعین می‌شود که بگوییم: مراد از محاربه با خدا و رسول، عملی است که برگشت می‌کند به ابطال اثر چیزی که رسول از جانب خدای سبحان بر آن چیز ولایت دارد، نظیر جنگیدن کفار با رسول و با مسلمانان و راهزنی راهزنان که امنیت





اجتماعی را خدشه دار می‌سازد، امنیتی که با گسترش دامنه ولایت رسول آن امنیت را گسترش داده و همین که بعد از ذکر محاربه باخدا و رسول جمله‌ی: «و یسعون فی الأرض فساداً» را آورده، معنای مورد نظر را مشخص می‌کند و می‌فهماند که منظور از محاربه باخدا و رسول افساد در زمین از راه اخلاص به امنیت عمومی و راهزنی است...» (تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۵۳۳)

پس از آنکه دانستیم مراد از محاربه باخدا و رسول، اخلاص در امنیت اجتماعی است با نگاهی به متن آیه شریفه استفاده می‌شود که برای آنان که امنیت اجتماعی را برهم زده و موجبات ناامنی جامعه را فراهم می‌آورند خداوند متعال چهار نوع کیفر معین فرموده است که بنا به نوع جرم، حاکم اسلامی یکی از آن‌ها را برای مجازات در نظر می‌گیرد که عبارت است از: کشته شدن، به دار آویخته شدن، بریدن دست و پای آن‌ها به‌طور مخالف و تبعید از محل زندگی. در ضمن، آیه شریفه به‌خوبی بیانگر اهمیت والای امنیت اجتماعی در آیین اسلام است؛ چراکه آنان را که به این امر مهم لطمه وارد می‌نمایند را با عنوان «محارب باخدا و رسول» یاد کرده است، یعنی «امنیت اجتماعی» امری است که به‌طور مستقیم وابسته به خدا و رسول است و جزء حدود الهی محسوب می‌گردد که هر که به این حدود تجاوز کند درواقع حد و مرز الهی را مورد سوء قصد قرار داد است.

نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای انسان از منظر قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیه‌السلام که به‌دفعات از آن یاد شده، نعمت امنیت است تا جایی که حتی اقتصاد و فرهنگ و سیاست و امرارمعاش نیز به وجود آن متکی است و تا هنگامی که امنیت در جامعه تأمین نشود، پیشرفت در هیچ زمینه‌ای حاصل نخواهد شد. هدف از خلقت انسان در قرآن، عبودیت و بندگی است. قرآن کریم برای تحقق این هدف مهم، برقراری امنیت اجتماعی را وسیله‌ای ضروری می‌داند تا انسان بتواند با ایجاد فضای سالم، امن و آرام برای بندگی و عبادت، آثار فتنه و شرک را از میان برداشته و در جهت رضای پروردگار که همان عبودیت خالصانه است گام بردارد. قرآن کریم که کامل‌ترین کتاب آسمانی است برای برقراری امنیت در جامعه نیز نسخه دارد و برای ما راهکارهایی بیان نموده که از جمله مهم‌ترین این راهکارها توجه به ذات خدا و ذکر و یاد اوست. با یاد خدا است که دل‌ها آرام گرفته و انسان را متوجه هدف از خلقت خویش می‌کند و این خود بازدارنده‌ای است مطمئن، برای جلوگیری از پیروی انسان از هوای نفس و ارتکاب گناهان و جنایات که به ایجاد ناامنی در جامعه می‌انجامد. مصداق عملی توجه انسان به



خدا و ذکر و یاد او نماز است که بیانگر خضوع و خشوع و ناتوانی او در برابر قدرت لایزال الهی است. نماز می‌تواند بالاترین سطح امنیت اجتماعی را به ارمغان بیاورد. راهکار دیگر قرآن که جنبه تنبیهی دارد، اجرای حدود و قوانین الهی است، چراکه با تنبیه و مجازات فرد برهم زنده امنیت اجتماعی موجب شده فرد خطاکار از ارتکاب مجدد آن خودداری نماید و نیز از سرایت آن به جامعه و ایجاد ناامنی جلوگیری می‌شود. درواقع می‌توان این‌گونه بیان کرد که قوانین دنیوی انسانی هرچند سختگیرانه نوشته‌شده باشد، نمی‌تواند به‌تنهایی در جامعه بشری امنیت ایجاد کند و بهترین راهکار همان راهکاری است که خداوند در قرآن کریم بیان فرموده است؛ بنابراین هرچه ایمان و معنویت و ذکر و یاد خدا در جامعه بیشتر باشد، میزان ظلم و جنایت و گناه کمتر خواهد بود.





منابع:

- ۰۱ قرآن کریم.
- ۰۲ سید رضی (ره)، «نهج البلاغه». ترجمه سید جعفر شهیدی (۱۳۷۰). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
- ۰۳ حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۸). «فرهنگ معارف و معاریف». تهران: موسسه فرهنگی آرایه
- ۰۴ رازی، ابوالفتوح (۱۳۷۱)، «تفسیر روض الجنان»، تصحیح دکتر محمدباقر یاحقی ودکتر مهدی ناصح. مشهد مقدس: انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی
- ۰۵ طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰). «تفسیر المیزان». قم: دفتر انتشارات اسلامی: ج ۵ ص ۵۳۳
- ۰۶ فرید، مرتضی (۱۳۸۶). «الحديث» قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۰۷ مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). «تفسیر نمونه». قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه
- ۰۸ ویل دورانت (۱۳۷۸). «تاریخ تمدن». تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۴
- ۰۹ نشریه مجموعه مقالات «قرآن و اخلاق». قم: چاپ و نشر عروج، ج ۲

